

گزارشی از برگزاری کنفرانس جهانی ایلگا در ژنو

ILGA

اشاره : مطلبی را که در زیر می خوانید یکی از دوستان ماها در اروپا فرستاده که با اندکی ویرایش و تغییرات با اجازه ی خودش بصورت جداگانه منتشر کرده ایم. امیدواریم که مفید فایده بیافتد.

ماها



سالهای سال است که ایلگا را می شناسم اما هیچوقت از نزدیک با آن در تماس نبوده ام. تا اینکه دو سال پیش تصمیم گرفتیم بصورت فردی عضو ایلگا شوم تا از طریق پرداخت حق عضویت بتوانم حداقل یک کمک مالی ناچیزی به ایلگا کرده باشم و این حداقل کمکی بود که از دستم بر می آمد. سال گذشته مجله ماها مصاحبه ای با یکی از خانمهای لژیون فعال در ایلگا ترتیب داد و در چند شماره قبل ماها هم آگهی تشکیل کنفرانس ایلگا در ژنو را بچاپ

رساند. از آنجا که حدس می زدم دوستان دست اندرکار ماها امکان مسافرت به خارج را ندارند، بر آن شدم که خودم به کنفرانس ایلگا رفته و گزارشی از آن را برای مجله ماها تهیه کنم. و وقتی تصمیم خودم را به دوستان در ماها اطلاع دادم آنها هم استقبال کردند.

من امیدوار بودم که حداقل تعدادی از همجنسگرایان ایرانی مقیم خارج در کنفرانس شرکت خواهند کرد و خواهیم توانست حداقل یک صحبتی با هم داشته باشیم اما متأسفانه به هیچ ایرانی برخورد نکردم. ولی شنیدم که یک ایرانی در کنفرانس بوده که تمایلی به آشنا شدن نداشته است.

نه خبرنگار هستم و نه درس ژورنالیستی خوانده ام که بتوانم آنچه را که از جریان ثبت نام تا روزهای کنفرانس تا امروز که این را می نویسم، در ذهن دارم بصورت زنده برایتان روی کاغذ بیاورم، با اینهمه سعی خودم را می کنم.

در سال ۱۹۷۸ بود که تعداد معدودی از فعالان حقوق همجنسگرایان که عمدتاً اروپایی بودند تصمیم گرفتند که برای پیشبرد مبارزه برای حقوق همجنسگرایان بهتر است که به همکاری بهتر و نزدیکتر با هم روی آورده و یک انجمن جهانی تشکیل دهند و چنین بود که اولین کنفرانس در سال ۱۹۷۸ یعنی ۲۸

سال پیش تشکیل و ایلگا رسماً اعلام موجودیت کرد. و از آن به بعد گاهی هر ساله و این اواخر هر دو سال یکبار کنفرانس خود را در یک کشور برگزار می کند.

بیست و سومین کنفرانس جهانی ایلگا در روزهای ۳۰ ماه مارس تا ۳ آوریل ۲۰۰۶ در شهر ژنو (سوئیس) با شرکت بیش از ۲۰۰ نفر از ۸۰ کشور جهان در محل "مرکز کنفرانس های بین المللی ژنو" (اگر درست ترجمه کرده باشم) برگزار شد. قبل از برگزاری کنفرانس هم بمدت سه روز کنفرانسی غیر رسمی و مقدماتی برگزار شده بود که در این کنفرانس مقدماتی در باره دستور کار کنفرانس رسمی و مسائلی که قرار بود در آن مطرح شوند، پرداخته شده بود ولی من در آن شرکت نکردم.

صفحه رسمی کنفرانس در وب سایت ایگا و امکان ثبت نام و پرداخت هزینه شرکت با کارت اعتباری از طریق اینترنت کارها را راحت کرده بود. پس با مراجعه به سایت آنها، ضمن ثبت نام، مسئله هتل، شام و نهار روزهای کنفرانس، محل برگزاری و.... همه را حل کردم.

اولین بار است که به سوئیس می روم اما هیچگونه اضطراب یا نگرانی ندارم. مسئولان کنفرانس از قبل اطلاع داده بودند که یک میز اطلاعات جهت کمک به شرکت کنندگان در کنفرانس که از خارج می آیند، در فرودگاه ژنو خواهند داشت.

ساعت ۹ و نیم شب چهارشنبه ۲۹ مارس در فرودگاه ژنو هستم. با توجه به اینکه پاسپورت اروپایی دارم، راحت از محل کنترل پاسپورت عبور می کنم و وارد سالن می شوم. به اطرافم نگاه می کنم. درست روبرویم آرم بزرگ کنفرانس ایگا در پشت یکی از میزها روی دیوار نصب شده و پسر و دختر جوانی پشت میزایستاده اند. به آنها نزدیک شده و بعد از سلام خودم را معرفی می کنم. در سوئیس به سه زبان فرانسوی، ایتالیایی و آلمانی صحبت می شود اما پسر و دختر جوان با لهجه نسبتاً قشنگی به انگلیسی جوابم را می دهند.

دختر جوان لیست بلند بالایی از اسامی شرکت کنندگان را از کشو میز بیرون می کشد و اسم مرا پیدا می کند.

پسر جوان می گوید، یک لحظه اینجا صبر کنید تا بروم بلیط قطار برای رفتن به شهر را برایتان تهیه کنم. ضمن تشکر دست در جیبم می کنم که هزینه بلیط را به او بدهم. می گوید نه. هزینه بلیط قطار در همان پول ثبت نام گنجانده شده و لازم نیست دوباره پرداخت کنید. در غیبت پسر، دختر جوان نقشه ای بیرون آورده و روی آن محل هتل و مسیر حرکت از ایستگاه قطار تا هتل و همچنین محل مرکز اصلی سازمان همجنسگرایان ژنو را برایم توضیح می دهد و ادامه می دهد که بقیه همه آنجا هستند و اگر گرسنه هستید میتوانی برای صرف شام به آنجا بروی. بعد نقشه دیگری بدستم می دهد و می گوید این نقشه را هم داشته باشید چرا که در این نقشه محل تمام بارها، کلوبها، رستورانها، سوناها و سکس شاپ های همجنسگرایان در ژنو را نشان می دهد.

فاصله فرودگاه تا شهر با قطار حدود چهار تا پنج دقیقه بیشتر طول نمی کشد. هتل را پیدا می کنم، دوشی می گیرم، لباس عوض می کنم و برای رفتن به مرکز همجنسگرایان ژنو بیرون می زنم. بیست دقیقه بعد آنجا هستم. محل شلوغی است طوری که جای ایستادن نیست، بچه های آفریقا در ته سالن ایستاده و موسیقی شادی می زنند. بچه های آمریکای لاتین و تعدادی اروپایی در وسط می رقصند، بچه های ژنو در رفت و آمد هستند و سعی می کنند با مهمانان خارجی گرم بگیرند یا به سئوالات احتمالی آنها جواب دهند. اکثر افراد از ملیتهای مختلف هستند با اینهمه راحت با هم گرم می گیرند. گرسنه نیستم اما یک آبجو سفارش می دهم و در گوشه ای به نظاره می ایستم. در یکساعتی که آنجا هستم با یک دختر فرانسوی از حزب سبزهای فرانسه، با یک فعال حقوق همجنسگرایان از سان فرانسیسکو، یک

اسپانیایی اهل باسک و یک روانشناس اهل آفریقای جنوبی آشنا می شوم. حوالی ساعت یازده و نیم شب محل خلوت تر می شود.

باید خودم را برای کنفرانس فردا آماده کنم. به هتل برمی گردم. ساعت هفت و نیم صبح بعد از صرف صبحانه با اتوبوس به محل کنفرانس که درست در مقابل محل شعبه سازمان ملل در ژنو هست، می روم. بیرون کنفرانس تعدادی مشغول صحبت با هم و سیگار کشیدن هستند. درون سالن انواع میزها چیده شده اند که در آنجا گروههای همجنسگرایان کشورهای مختلف مجلات، روزنامه ها، کارتها و فعالیتهای خود را نمایش داده اند. چندین کامپیوتر در گوشه و کنار دیده می شوند که افراد ایمیلهای خود را چک می کنند و میز بزرگی نیز به کنفرانس ایلگا اختصاص داده شده. آز آنجا کارت شرکت در کنفرانس، برنامه کار کنفرانس، کوپنهای غذای برای این سه روز، بلیط رفت و برگشت با قطار و اتوبوس را می گیرم. (پولی پرداخت نمی کنم بلکه همه اینها در کل هزینه ای که قبلاً پرداخت کرده بودم منظور شده است.) در کارت مخصوص شرکت در کنفرانس که باید همیشه در گردنت آویزان باشد، آرم کنفرانس ایلگا، نام و نام خانوادگی فرد و اینکه از کدام کشور آمده، نوشته شده است. روی کارت من نام همان کشور خارجی که در آن زندگی می کنم نوشته شده چون من از ایران برای شرکت در این کنفرانس نیامده ام و مهمتر از آن در ایران زندگی نمی کنم. در پشت کارت اسم و آدرس و شماره تلفن هتلی که شرکت کننده در آن اقامت دارد و همچنین دو شماره تلفن موبایل نوشته شده که در موارد اضطراری بطور ۲۴ ساعته بتوان با آنها تماس گرفت. این شماره تلفن ها به دو نفر از فعالان گروه همجنسگرایان ژنو تعلق دارند.

کنفرانس با خوش آمد گویی رئیسی ایلگا به شرکت کنندگان رسماً شروع می شود. زبان رسمی کنفرانس انگلیسی، فرانسوی و اسپانیایی است. اما بیشتر از همه انگلیسی استفاده می شود. گروه ترجمه در بخش فوقانی سالن پشت میزهای خود نشسته اند و اگر یکی از شرکت کنندگان به انگلیسی یا فرانسوی و یا اسپانیایی صحبت کند، دو مترجم دیگر صحبتهای او را به دو زبان دیگر ترجمه کرده و آنوقت شرکت کنندگانی که زبان گوینده را نمی دانند، باید از گوشی استفاده کنند.

رئیس ایلگا در صحبتهای خوش آمد گویی خود ادامه می دهد که ایلگا ۲۸ سال عمر دارد، در بیش از ۹۰ کشور و پنج قاره جهان نمایندگی دارد. عضویت در ایلگا سه نوع است؛ نوع اول اینکه یک سازمان یا گروه همجنسگرا در یک کشور تقاضای عضویت دهد، نوع دوم اینکه یک نفر بصورت فردی درخواست عضویت کند (حالت خود من) و نوع سوم اینکه یک اتحادیه مثلاً کارگری، گروه حقوق بشری یا مثلاً شهرداری یک شهر که متعلق به همجنسگرایان نیست اما جهت حمایت از همجنسگرایان مایل به عضویت باشد. (تعدادی شهرداری، گروههای حقوق بشری و اتحادیه های کارگری از کشورهای مختلف عضو ایلگا هستند.)

شرکت در کنفرانس ایلگا به دو گونه هست، یکی اینکه سازمانها و گروههای عضو در کشورهای مختلف نمایندگان خود را برای شرکت در کنفرانس جهانی انتخاب می کنند و هزینه مسافرت، ثبت نام و هتل را خودشان می پردازند، نوع دیگر اینکه اگر سازمان یا گروه عضو امکانات مالی ناچیزی ندارد و توان پرداخت هزینه را نداشته باشد، قبل از برگزاری کنفرانس با ایلگا تماس گرفته و ایلگا هزینه آنها را می پردازد. برای نمونه ایلگا هزینه شرکت چهار نماینده از فلیپین، ۲ نماینده از نیجریه، ۲ نفر از هند و تعداد دیگری از کشورهای فقیر آفریقایی و آمریکای لاتین را پرداخت کرده بود. (حس کردم که پول عضویت من هدر نرفته و بخاطر همین کمک های ایلگا به همجنسگرایان بی بضاعت در کشورهای فقیر است که قصد دارم هر ساله هزینه عضویت خودم در ایلگا را پرداخت کنم.) در ضمن دولت بلژیک هم هزینه

مسافرت تعدادی از نمایندگان گروههای همجنسگرا از کشورهای آفریقایی فرانسوی زبان را تقبل کرده بود. شهردار لزبین ژنو هم بنوبه خود به حاضرین خوش آمد گفته و برای کنفرانس آروزی موفقیت کرد. بعد از آن، حاضران کمیته ای را برای اداره کنفرانس تعیین کردند که افرادی از سوئد، مکزیک، چین، بلژیک، نیجریه، فلیپین، برزیل، کامرون و سوئیس انتخاب شدند. در انتخاب این کمیته چندین عامل در نظر گرفته شد از جمله اینکه افراد از قاره های مختلف باشند، هم لزبین، گی و هم ترانس، و هم اینکه از نظر سنی یک دست نباشند.

بعد از شروع بکار کمیته هدایت کنفرانس لیست گروهها و سازمانهای مختلف همجنسگرایان کشورهای مختلف که به تازگی تقاضای عضویت در ایلگا را داده اند، به نمایندگان معرفی شدند. تعداد زیادی از این گروهها از آمریکای لاتین، اروپا و آمریکای شمالی بودند اما از استرالیا و نیوزلند هم بودند. در مجموع گروههایی از پنج کشور آسیایی و پنج کشور آفریقایی هم درخواست عضویت کرده بودند از جمله میتوان به قرقیزستان، هنگ کنگ و سریلانکا اشاره کرد. البته در هر کشور گروههای مختلف همجنسگرایان فعالیت دارند و هر گروهی میتواند عضو شود یعنی گاهی حدود ده گروه مختلف از یک کشور ممکن است عضو ایلگا باشند. اما جالبتر از همه وضعیت گروههای همجنسگرایان در آمریکای لاتین است که نه مثل همجنسگرایان در ایران تحت فشار هستند و نه مثل همجنسگرایان اروپایی آزادی دارند. این گروههای همجنسگرایان آمریکای لاتین در حال خود یابی هستند و دارند اعتماد خود را باز می یابند. به این دلیل برای فعالیت خود و ادامه حیات به حمایت ایلگا نیاز دارند. به همین خاطر گروههای همجنسگرایان آمریکای لاتین که درخواست عضویت کرده بودند بیش از همه بچشم می خوردند از جمله از کشورهای شیلی، هندوراس، نیکاراگوئه، کوبا، کلمبیا، جامائیکا، برزیل و پرو.



شهردار لزبین ژنو (لباس نارنجی) در حین سخنرانی

بعد از تصویب عضویت گروهها، اعلام شد که شهرداری ژنو مراسم استقبال از شرکت کنندگان را برای ساعت ۸ شب در محل شهرداری ترتیب داده و از همه درخواست شد که بعد از پایان امروز در این مراسم شهرداری شرکت کنند. شهردار ژنو یک زن لزبین است که طی این کنفرانس پنج روزه حداقل دو بار سخنرانی کرد.

اما گروه تدارکات کنفرانس ایلگا جداگانه شام را در مرکز همجنسگرایان ژنو هم ترتیب داده بودند که هر کسی خودش تصمیم می گرفت در کدام مراسم شرکت کند.

بعد از وقت استراحت تعداد زیادی از گروههای کشورهای مختلف که عضویت آنها در ایلگا پذیرفته شده بود بطور همزمان در سالنهای مختلف " ورک شاپ" (کارگاه) برگزار کردند که افراد می توانستند در هر کارگاهی که بیشتر علاقه داشتند، شرکت کنند. و بعد از آن نهار صرف شد.

بعد از نهار، به محض شروع مجدد کنفرانس، رئیس ایلگا روی صحنه رفته و با تبسمی حاکی از پیروزی گفت که خبر جالبی برای همه شرکت کنندگان دارد و اعلام کرد که حضرت آقای دالایی لاما بلند پایه ترین مقام رهبر مذهب بودایی در جهان، پیامی توسط نماینده خود در ژنو برای کنفرانس ما فرستاده که شما را به شنیدن آن دعوت می کنم.

سپس آقای کلسانگ گیلستن نماینده دالایی لاما به روی سن رفته و متن پیام حضرت دالایی لاما را قرائت کرد که بعد از آن همه حضار بپا خاسته و با کف زندهای ممتد از پیام ایشان استقبال کردند. بدون شک مسلمانان حاضر در کنفرانس به بودائیان غبطه خوردند و در دل‌های خود آرزو کردند که ای کاش رهبران دینی اسلام هم این شهامت و جسارت اخلاقی را داشتند و به آشتی دین خود با گرایش‌های متنوع جنسی انسانها توجه می نمودند. (متن پیام آقای دالایی لاما جداگانه در همین شماره ماها به نقل از سایت خبری گویا چاپ شده است. ماها)

بعد از آن نمایندگان همجنسگرایان پیرو در باره چگونگی فعالیت همجنسگرایان در پیرو و دیگر کشورهای آمریکای لاتین، استفاده از امکان اینترنت، تشکیل انواع گروه‌های پوششی، تشکیل گروه‌های امداد آیدز و اطلاع رسانی در باره این بیماری و... سخنرانی کرد. سپس نماینده لهستان در مورد شرایط همجنسگرایان در کشور خود و از سخت تر شدن شرایط بعد از انتخابات اخیر که طی آن یک نفر محافظه کار مسیحی بقدرت رسیده و چگونگی مبارزات همجنسگرایان لهستانی برای گرفتن حق برگزاری کارنوال سخنرانی کرد. بعد از او نمایندگان گروه‌هایی از همجنسگرایان آلمان، اسپانیا و هلند در باره کارها و فعالیتهای خود در رابطه با حمایت بین المللی از مبارزات همجنسگرایان در کشورهای دیکتاتور زده و کمک مالی و معنوی به آنها سخنرانی کردند.

با توجه به وجود شعبه سازمان ملل متحد در ژنو، کمیته تدارک کنفرانس ایلگا پیشاپیش قبل از برگزاری کنفرانس، طی ایمیلی به همه ثبت نام کنندگان اطلاع داده بود که اگر کسانی مایل باشند با مسئولان نمایندگی کشور خود در سازمان ملل ملاقات کرده و در مورد وضعیت حقوق همجنسگرایان در کشور خود صحبت کنند، می تواند در این باره تسهیلاتی را فراهم کند. بخشی از وقت بعد از ظهر روز اول هم صرف ملاقات نمایندگان گروه‌های همجنسگرای کشورهای مختلف با هیئت نمایندگی کشور متبوع خود در سازمان ملل شد.

بعد از پایان روز اول همه به محل سکونت خود رفتند تا بعداً برای رفتن به مراسم استقبال شهرداری بروند یا به مرکز همجنسگرایان ژنو رفته و شام را در آنجا صرف کنند.

روز دوم کنفرانس با برگزاری شش کارگاه در موضوعات مختلف بطور همزمان در شش سالن

کوچکتر در همان محل کنفرانس شروع شد. طبیعتاً با توجه به همزمانی کارگاهها نمی

توانستیم در همه آنها شرکت کنیم. پس تصمیم گرفتیم به کارگاه با موضوع اسلام و همجنسگرایی بروم. در این کنفرانس آقای تیو بیکرز از دانشگاه کلن (آلمان) در مورد رابطه ی توسعه جامعه و پذیرش حقوق همجنسگرایان در کشورهای مختلف جهان سخنرانی بسیار جالبی ایراد کرد. او با استفاده از اسلاید و دیاگرام های مختلف و با استناد به تحقیقات نسبتاً وسیع در دانشگاههای مختلف نشان داد



نمایی از شعبه سازمان ملل در ژنو

که هر چه جامعه توسعه یافته تر باشد، هر چه سطح سواد بیشتر باشد، هر چه حقوق زنان بیشتر رعایت شده باشد و هر چه ساختارهای تمدن در جامعه بیشتر ریشه گرفته باشد بهمان نسبت هم عرف جای سنت را می گیرد و اعتراف به حقوق همجنسگرایان هم رشد و نمو می یابد. آقای تیو بیکرز این ادعا که همجنسگرایی یک پدیده غربی است را رد کرد. او گفت برزیل یک کشور غربی نیست اما سطح رشد جامعه برزیل باعث شده که حقوق همجنسگرایان در آنجا تثبیت شود. آفریقای جنوبی هم همینطور است. او در این هنگام اسلایدی را نشان می داد که سطح رشد کشورهای مختلف از سوئد تا ایران و مصر و کشورهای اروپای غربی و آمریکای لاتین را نشان می داد. و از تصویر معلوم می شد که هر چه سطح رشد جامعه بیشتر باشد بهمان نسبت برخورد بهتری با همجنسگرایان صورت می گیرد. سخنران بر این باور بود که برخورد با همجنسگرایی در سطوح مختلف انجام می گیرد، در سطح فردی، اجتماعی و ملی. بهمان شکل هم قبول حقوق همجنسگرایان پله های مختلفی دارد و در سطح فردی اجتماعی و ملی صورت می گیرد اما همزمان اتفاق نمی افتد بلکه روشنگری جنسی مراحل مختلف اجتماعی، سیاسی، قانونی، پزشکی و مذهبی را طی می کند. او در سخنرانی خود ادعا کرد که رعایت حقوق همجنسگرایان در جوامع مختلف مدیون دو پدیده سکولاریسم و جنبش زنان است چرا که این دو به بازتر شدن جامعه و اذهان عمومی یاری رسانده راه برای گفتمانهای تازه تر هموار می کنند. او در پایان اضافه کرد که همه همجنسگرایان در یک زمان به آگاهی و یا اهمیت مبارزه برای حقوق خود نمی رسند بلکه در ابتدای کار همیشه تعدادی از آگاهترین، شجاعترین افراد هستند که با اعتقاد عمیق به حقوق خود، برخلاف جریان آب شنا کرده و دیسکورس (گفتمان) مربوط به حقوق همجنسگرایان را مطرح می کنند و درست همین ها هستند که هر چند در اوائل توسط متعصبین، قانون و حتی جامعه مورد لعن و نفرین و حتی پیگرد قرار می گیرند اما با پشتکاری نهایتاً در جلب حمایت عمومی موفق می شوند و بدین طرق جامعه را به نفع خود عوض می کنند. پس تغییرات و پیشرفت های حاصله امروزی همجنسگرایان در کشورهای مختلف نتیجه تلاشهای همین همجنسگرایان شجاع نسلهای قبل بوده است.

بعد از پایان صحبتهای سخنران سؤال و جوابهای زیادی مطرح شدند. از جمله خودم این سؤال را از ایشان مطرح کردم که آیا برای انجام تحقیقات خود به کشورهای مختلف سفر کرده و مطالعاتی در آنجا داشته است. که جواب داد امکان اینکار را نداشته اما نتایج خود را بر اساس تحقیقات محققان زیادی که لزوماً همجنسگرا هم نیستند بنا نهاده است.

در هنگام استراحت دوباره با او صحبت کردم و در باره همجنسگرایان ایران، مجلات ماها، دلکده و چراغ و سازمان پی جی ال او گفتم که برایش خیلی جالب بود. از او پرسیدم که آیا می توانم ایمیلش را به علاقمندان بدهم که قبول کرد. این هم ایمیل ایشان:

beckers@wiso.uni-koeln.de

بعد از استراحت کنفرانس جمعی با موضوع حقوق همجنسگرایان و سازمان ملل متحد شروع بکار کرد که لوبی گران همجنسگرا در سازمان دیده بان حقوق بشر، سازمان عفو بین الملل و خود رئیس ایلگا در مورد تماسهای خود با ارگانهای مختلف سازمان ملل و صحبتهایی که با آنها داشته اند گزارش دادند. در این نشست مسائل مختلفی از چهار گوشه جهان مطرح شدند. از جمله موضوع سرکوب همجنسگرایان در کشورهای مسلمان و همینطور در باره مخالفت شهردار مسکو با برگزاری کارنوال همجنسگرایان آن شهر که بنا به پیشنهاد هیئت نمایندگی همجنسگرایان روسیه، همه شرکت کنندگان تصمیم گرفتند بعد از پایان کنفرانس در مقابل سفارت روسیه در ژنو دست به تظاهرات بزنند. نماینده

سازمان دیده بان حقوق بشر در اهمیت تلاش و فعالیت همجنسگرایان هم در سطح خرد و هم در سطح کلان تاکید کرد. او اضافه کرد که هر انسانی حق تصمیم گیری در باره بدن خود را دارد. هر انسانی حق عشق ورزیدن به هر کسی که خود انتخاب می کند را دارد و قانون یا دولت و یا مذهب نباید انسانی را مجبور کنند با یکی رابطه بگیرد که بر خلاف آرزوها و امیال و گرایش عمیق درونی خود او که ضرری به کسی نمی رساند، باشد. او تاکید کرد که سازمانها و گروههای مختلف حقوق بشری در جهان نباید همجنسگرایان را از حیطة کاری خود کنار نهند چرا که وظیفه آنها دفاع از حقوق کل بشر است.



نماینده همجنسگرایان روس در کنفرانس (عکس در اتوبوس گرفته شده است)



تظاهرات نمایندگان شرکت کننده کنفرانس در مقابل سفارت روسیه در ژنو

بعد از آن نهار صرف شد و بعد از ظهر ابتدا شش کارگاه با موضوعات مختلف و بطور همزمان شروع بکار کردند از جمله کارگاهی به اساسنامه ایلگا و پیشنهادات رسیده اختصاص داشت، و سپس نشستهای مناطق مخالف ایلگا (اروپا، آفریقا، اقیانوسیه، آمریکای شمالی و آسیا) که من به نشست آسیا رفتم. در این نشست نمایندگانی از کشورهای فلیپین، مالزی، هند، سریلانکا، چین، ژاپن و تایلند شرکت کرده بودند. البته از بعضی از این کشورها تنها یک تا دو نفر آمده بودند و به همین دلیل تعداد شرکت کنندگان هم کم بود.

در این نشست مشکلات پیش روی همجنسگرایان آسیا بررسی شد و چند نکته عمده برجسته شدند از جمله معلوم شد که وضعیت حقوقی همجنسگرایان کشورهای آسیایی بسیار ناهمگون است مثلاً در حالی که در ایران قانون اعدام همجنسگرایان وجود دارد در ژاپن، فلیپین و اسرائیل همجنسگرایان

آزادی کامل دارند یا در بسیاری از کشورها هر چند همجنسگرایان تحت تقیب و سرکوب نیستند اما وضعیت فرهنگی و مذهبی حوامع طوری است که علنی و متشکل شدن همجنسگرایان را دچار مشکل می‌سازد و به همین دلیل بسیاری از گروههای فعال همجنسگرایان تحت نامهای پوششی و یا در کنار گروههای حقوق بشر یا تحت عنوان گروههای امداد ایدز و یا در گروههای فمینیستی کار می‌کنند. مشکل دیگر گروههای همجنسگرایان آسیا مشکل مالی آنهاست که امکان مسافرت و تماس های نزدیک یا برگزاری کنفرانس را عملاً ناممکن کرده است ضمن اینکه با توجه به برخورد دولتها، برگزاری کنفرانس همجنسگرایان در بسیاری از کشورهای آسیایی امکان ناپذیر است. مشکل دیگر اینکه آسیا قاره بسیار وسیعی است با زبانهای بسیار متعدد که بین المللی نیستند و بسیاری از افراد زبان کشور همسایه را نمی‌شناسند چه برسد به زبان کشورهای کمی دورتر. تنوع مذهبی و سیاسی را هم باید در نظر گرفت.

همه اینها امکان ایجاد یک شبکه قوی تماس بین گروههای همجنسگرایان در کشورهای آسیایی را محدود می‌کند در حالی که همجنسگرایان اروپا وضعیت نسبتاً همگونی دارند و به همین دلیل همکاری منطقه ای آنها بهتر است. با اینهمه همجنسگرایان آسیا هم باید سعی کنند که بشکلی بر این مشکلات فائق آیند.

بعد از بحثهای مفصل راه حلهایی هم ارائه شدند از جمله ایجاد یک لیست ایمیل مشترک که فعالان گروههای همجنسگرایان کشورهای مختلف آسیایی بتوانند با هم در تماس بوده و به تبادل اخبار و اطلاعات بپردازند.

این ایمیل باید ایجاد شود اما تا اطلاع ثانوی علاقمندان میتوانند با آقای **Aung Myo Min** با ایمیل myomin@cscoms.com زیر تماس بگیرند: قرار است کنفرانس آسیایی ایلگا سال آینده در تایلند برگزار شود.

بعد از این جلسه، کنفرانس اصلی کار خود را شروع کرد و بعد از آن اعلام اسامی کاندیداها برای ریاست ایلگا که یک روز مانده به پایان کنفرانس، هیئت های نمایندگان کشورهای مختلف باید یک لژیون و یک گی را از بین کاندیداها بعنوان رؤسای جدید ایلگا، انتخاب کنند. شام شرکت کنندگان در مرکز همجنسگرایان ژنو تدارک دیده شده بود.

روز سوم کنفرانس (روز شنبه) با موضوع همجنسگرایان در جوامع مسلمان شروع بکار کرد. سخنرانان جلسه که همه مسلمان و همجنسگرا بودند نمایندگان هیئت های کشور های بوسنی هرزگوئین، ترکیه، دو نفر از آفریقای جنوبی (از جمله یک روحانی مسلمان همجنسگرا)، هند، مالزی و چند نفر از کشورهای جنوب شرقی آسیا بودند. متوجه شدم که در بین افراد حاضر در کنفرانس یک پاکستانی (فکر کنم ساکن ژنو) هم حضور داشت.. یک لژیون عرب اهل مصر که در فرانسه زندگی می کند هم جزو سخنرانان بود و از تجارب مسافرت خود به کشورهای مصر و تونس و مغرب سخن گفت که چگونه یک ناوای مصری از فروش نان به او به این دلیل خود داری کرده که روسری به سر نداشته ولی در تونس و مغرب از این مشکلات خبری نیست. بقیه سخنرانان از تجارب مبارزاتی خود، از مسیری که در پذیرش همجنسگرایی خود طی کرده و به آشتی دین خود (اسلام) با گرایش جنسی خود رسیده اند، از تماسهای خویش با نواندیشان دینی در جوامع خود، از مخالفتهای شدید رهبران متعصب دینی، از سکوت ناشی از ترس گروههای حقوق بشر در مورد همجنسگرایان در کشورهای مسلمان، از تعصب خانواده های خود، از پیگیری و عدم خستگی خویش در اثبات حقانیت خود و... گفتند. روحانی مسلمان

و همجنگرای آفریقای جنوبی در باره تفاسیر مختلف از اسلام صحبت کرد و اضافه کرد که خودش بعنوان پیش نماز همجنگرایان مسلمان در ساختمانی در شهر کایپ تاون آفریقای جنوبی اقامه نماز می کند و همجنگرایان مسلمان اجباری ندارند به مسجدی بروند که پیش نماز یا بقیه نمازگزاران، آنها را قبول نمی کنند. همچنین در مورد وجود بیانیه حقوق بشر اسلامی و بیانیه حقوق بشر آفریقا در بعضی از کشورها از جمله در ایران صحبت بمیان آمد و سخنرانان ادعا کردند که هیچ فرد جدی نمی تواند این بیانیه ها را برسمیت بشناسد چرا که اگر قرار باشد بیانیه حقوق بشر اسلامی باشد باید همه رهبران جهان اسلام از کل کشورها آن را امضا کنند در حالی که اینطور نبوده و نیست و تنها دولت متعصب ایران است که به دلیل مخالفت با اعلامیه جهانی حقوق بشر، این بیانیه ها را علم می کند. همانطور که اعلامیه حقوق بشر بودایی یا مسیحی یا هندویی هم وجود ندارند. بشر بشر است و فارغ از اینکه مذهب او چه باشد حق و حقوقی در این جهان دارد که باید همه دولتها و مذاهب آن را رعایت کنند. روحانی آفریقای جنوبی اضافه کرد بیانیه حقوق بشر اسلامی بسیاری از مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر را نادیده می گیرد با این حساب آن دسته از رهبران مسلمان و حتی مسلمانانی که این بیانیه ها را قبول می کنند به کم ارزش بودن انسان مسلمان نسبت به انسان غیر مسلمان اعتراف می کنند در حالی که همه انسانها با هم برابرند. او مشکل دیگر بیانیه حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر آفریقا را اینطور عنوان کرد که بعضی از کشورها هم مسلمان هستند و هم آفریقایی. با این حساب معلوم نیست که اینگونه کشورها کدام بیانیه را باید تصویب کنند. بیانیه حقوق بشر اسلامی را یا بیانیه حقوق بشر آفریقایی؟ ..

این روحانی مسلمان همجنگرا ادامه داد که همجنگرایان مسلمان در حال جهاد هستند، جهاد با کم بینی و تعصب اجتماعی، جهاد برای پذیرفته شدن در جامعه و خانواده و توسط دولتها، جهاد با خود برای غلبه بر تردید و دو دلی و پذیرش گرایش جنسی خود. او ادامه داد که حقوق همجنگرایان در قانون آفریقای جنوبی برسمیت شناخته شده است و ما در این باره هیچ مشکلی نداریم اما مشکل پذیرفته شدن توسط رهبران دینی و خانوادهها هست. اما از آنجا که همجنگرایان در پناه قانون هستند متعصبان مذهبی نمی توانند ما را سرکوب کنند و همین راه را برای فعالیت ما و روشنگری عمومی هموار کرده است و باعث میشود که افرادی همچون من جرات کنند که همجنگرایی خود را علنی کنند. و به نظر من این نکته ای که نباید مورد غفلت ما همجنگرایان ایران واقع شود که اصلاح قوانین میتواند راه را برای اصلاحات فرهنگی هموار کند.

روحانی همجنگرا سخنان خود را با این جمله تمام کرد که همجنگرایان مسلمان باید قرائت تازه ای از اسلام و قرآن ارائه دهند و بر بخش های مربوط به صلح و برابری بین انسانها و عدالت اسلامی بیشتر تأکید نمایند. نکته جالبی که در این جلسه متوجه شدم این بود که سطح برخورد همجنگرایان مسلمان در کشورهای مختلف با هم فرق می کرد مثلاً سخنرانان اهل مالزی محافظه کارتر از سخنرانان اهل آفریقای جنوبی بودند و در سئوالی که در اینباره مطرح کردم جواب گرفتم که علت آن همانا سطح رشد جامعه و ساختارهای آن است که محدودیتهایی را بر افراد تحمیل می کند. اسماعیل همجنگرای اهل ترکیه در سخنرانی خود ادعا کرد که خود سانسوری همجنگرایان بخشی از مشکل است و باید کاری کرد که همجنگرایان با اعتماد بیشتری خود را در جامعه علنی کنند. او گفت ارتش ترکیه عضو ناتو است اما ترکیه تنها کشوری است که ارتش آن همجنس گرایی را بعنوان یک اختلال روانی تلقی می کند. او ادامه داد که بر خلاف همجنگرایان دیگر کشورهای مسلمان، همجنگرایان ترکی سعی می کنند که در تعامل با گروههای آزادیخواه طرفدار حقوق بشر و سکولاریسم آزادی خود را در بیرون از چارچوب اسلام جستجو کنند و فرهنگ و مدرنیته غربی را برای جامعه خود می خواهند.

در خاتمه جلسه اعلام شد که قرار است کنفرانس وسیعی با موضوع اسلام همجنسگرایی با شرکت بسیاری از متخصصان اسلام و نواندیشان دینی مسلمان کشورهای مختلف برگزار شود. آدرس ایمیل تماس با مسلمانان همجنسگرای آفریقای جنوبی:

haroon@acenet.co.za

این ایمیل متعلق به دکتر مارون عیسی روانشناس همجنسگر و مسلمان آفریقای جنوبی است. که به همراه روحانی مسلمان همجنسگرا از آفریقای جنوبی در کنفرانس ایلگا شرکت کرده بود.



عکس دو سخنران آفریقای جنوبی (روحانی همجنسگرا با لباس عادی در سمت چپ و دکتر هارون با تک پوش سیاه در این عکس دیده می شوند.)

در همین جلسه بود که عکس اعدام نوجوانان مشهود از طریق اسلاید در معرض دید همه حاضرین قرار گرفت.



تصویر اعدام جوانان تحت نام اسلام در ایران که در سالن نمایش داده شد.

صحبت‌های سخنرانان مورد توجه و علاقه حاضرین قرار گرفت و بعد از آن نوبت سؤال و جواب مطرح شد.

در وقت استراحت به بچه های مالزی نزدیک شدم و تا گفتم که ایرانی هستم بلافاصله گفتند که مجله ماها را می شناسند و متوجه شدم که آن دختر مالزیایی بنام تونی که مجله ماها در شماره ۱۵ خود با او مصاحبه کرده بود، خود یکی از همین سخنرانان بود که به همراه یک مرد همجنسگرا هیئت نمایندگی مالزی را بعهده داشتند.

بعد از وقت استراحت، بطور همزمان شش کارگاه دیگر با موضوعات مختلف شروع بکار کردند از جمله کارگاهی در باره مبارزات لژیون ها در چین بود که در آن شرکت کردم و برایم بسیار جالب و آموزنده بود. طبق گفته سخنران بیش از ۳۰ گروه مختلف همجنسگرایان در چین فعالیت دارند و با تلاش مداوم خود بلاخره موفق شدند حقوق خود را در قانون رسمیت بخشند. تجربه جالبی که همجنسگرایان چینی در این جلسه مطرح کردند این بود که تعداد بسیار زیادی از همجنسگرایان اهل تشکیلات، مبارزه و کار جدی نیستند و تنها به جشن و پارتی علاقه دارند که آنها را پارتی بویز (Party Boys) می نامند. سخنران چینی گفت البته این هیچ اشکالی ندارد اما این افراد در طرح مسائل همجنسگرایان و اصلاح فرهنگ عمومی کاری از پیش نمی برند و تنها زمانی که افراد خوش فکر و با سواد وارد کار شدند و انواع تشکیلات بارها و مجلات را بوجود آوردند آنوقت بود که تاثیر گذاری شروع شد. سخنران ادامه داد این مسئله در غرب هم وجود دارد یعنی پارتی بویز در همه کشورها هستند اما در غرب افراد خود و ایده و افکار خود را جدی می گیرند و برای عملی کردن اندیشه خود تلاش می ورزند و تسلیم مشکلات راه نمی شوند. اما در شرق و کلاً آسیا یک حالتی هست که حتی روشنفکران و افراد آگاه همجنسگرا هم ایده و افکار خود را جدی نمی گیرند و با تاکید بر اینکه در جامعه ما تغییری حاصل نمی شود از خود سلب مسئولیت می کنند. در حالی که همین تجارب محدود مبارزات همجنسگرایان در آسیا نشان می دهد که اگر افراد آگاه و با ایده و فکر اقلیتهای جنسی تکانی بخود بدهند میتوانند تعداد زیادی را با خود همراه کرده و به مرور اجتماع و شرایط زندگی خود را بهبود بخشند. نکته مهمی که سخنران مطرح کرد این بود که دولت چین هیچگونه مخالفت سیاسی را بر نمی تابد مثلاً گروههای اپوزیسیون فمینیستها و دانشجویان تحت فشار زیادی هستند به همین دلیل اگر همجنسگرایان چینی به همکاری با این گروهها رو آورند به سیاسی بودن متهم شده و سرکوب می شوند اما ما در چین بیشتر بر اجتماعی بودن مسئله تأکید می کنیم و همین باعث می شود که دولت حساسیت زیادی بخرج ندهد. نکته منفی این کار این است که گروههای زنان دانشجویان و دیگران هم در باره ما سکوت می کنند اما تکیه بر اجتماعی بودن مسئله باعث می شود که وسایل ارتباط جمعی چینی بیشتر به مسائل همجنسگرایان کشور علاقه نشان داده و بدون ترس از سانسور در باره ما اطلاع رسانی می کنند که در بهتر شدن افکار عمومی تاثیر زیادی داشته است. اخیراً دولت هم پروژه ای را برای اطلاع رسانی در باره اچ. آی. وی و ایدز به گروه " مردانی که با مردان دیگر سکس دارند" شروع کرده است و حدود ۳۰ گروه همجنسگرایان هم در بخش اطلاع رسانی در باره ایدز فعالیت می کنند اما با بازتر شدن فضا این گروهها هر چه بیشتر خود را بعنوان گروههای همجنسگرا تعریف می کنند. همجنسگرایان چینی تعداد زیادی کنفرانس های آموزشی تحت نام " جنسیت و سلامتی جنسی" ترتیب می دهند که افراد زیادی در آنها شرکت می کنند و در همین کنفرانسها در باره همجنسگرایی و اهمیت رعایت حقوق همجنسگرایان هم صحبت می شود که در وسایل ارتباط جمعی هم انعکاس می یابند و تاثیر خوبی دارند. او ادامه داد که جنبش همجنسگرایان در هر کشوری حامل پیامی است و به رشد فرهنگی کمک می کند. تأکید بر این مسئله باعث می شود که هم جنسگرایان خود را جدی تر بگیرند و هم دیگران به ما توجه و علاقه نشان دهند. او در پایان اعلام کرد که در حال حاضر ۳۰۰ وب سایت جدی متعلق به همجنسگرایان، ۳۰ گروه همجنسگرایان و سه گروه لژیون ها در چین فعال هستند. همینطور در یکی دو سال اخیر تعداد زیادی کتاب و فیلم در باره همجنسگرایی وارد بازار شده اند. و جالبتر از همه اینکه حالا خود نویسندگان همجنسگرا هستند که در باره همجنسگرایی کتاب منتشر می کنند. تا بحال ۲ فستیوال فیلم همجنسگرایان در چین برگزار شده و همه این فعالیتها دست بدست هم داده در تغییر فرهنگ عمومی تاثیر زیادی داشته اند طوری که

بسیاری از جوانان غیر همجنسگرا هم به جشن ها و فستیوال فیلم همجنسگرایان علاقه نشان داده و در آنها شرکت می کنند. مثلاً در هیئت برگزاری آخرین فستیوال فیلم همجنسگرایان تعدادی از دگر جنسگرایان دست اندکار فیلم هم عضو بودند. آدرس وب سایت لزبین های چینی:

www.lalabar.com

صبح روز یکشنبه (روز چهارم کنفرانس) عمدتاً به بررسی اساسنامه ایلگا رسیدگی به پیشنهادات رسیده در باره اساسنامه، رای گیری برای انتخاب رؤسای جدید ایلگا اختصاص داشت و در بعد از ظهر یک جلسه سخنرانی بود که در آن یک نماینده گی عضو حزب سبزها در مجلس آلمان، یک لزبین عضو پارلمان اروپا و معاون گروه بین المللی زنان سوسیالیست، یک ترانس جندر نماینده شهرداری شهر توکیو، یک ترانس سکشوال اهل کشور پرو که برای اولین بار خود را برای نمایندگی مجلس کاندید کرده، و یک لزبین عضو حزب سبزهای فرانسه همه سخنرانی کردند. و بعد از آن بطور موازی دو جلسه دیگر هم برگزار شد که یکی به کشورهای فرانسوی زبان آفریقایی و دیگری به کشورهای انگلیسی زبان آفریقایی اختصاص داشت.

اما از آنجا که برای اولین بار بود که به سوئیس می رفتم و در جریان رای گیری و انتخابات ایلگا حق رای نداشتم (چون نمایندگی گروه خاصی را بعهده نداشتم و بصورت فردی شرکت کرده بودم)، به این خاطر تصمیم گرفتم که در آن روز در کنفرانس شرکت نکنم و بجای آن در شهر ژنو گشتی بزنم. بخصوص که هوا هم آفتابی بود. به این خاطر بر خلاف روزهای قبل که ساعت ۶ از خواب بیدار می شدم تا سر ساعت هشت صبح در کنفرانس باشم، امروز دیر از خواب بیدار شدم. ساعت نه و نیم صبح برای صرف صبحانه به رستوران هتل می روم. با کمال تعجب با آقای کری آلن جونسون سیاهپوست آمریکایی فعال در سازمان بین المللی حقوق بشر همجنسگرایان که روز قبل در کنفرانس سخنرانی کرده بود مواجه می شوم. سلام می کند و می گوید تو هم در همین هتل هستی؟ می گویم آره. جواب می دهد ای کاش زودتر می فهمیدم آنوقت می توانستیم در باره ایران و وضعیت همجنسگرایان آنجا بیشتر صحبت کنیم. ولی من باید تا پانزده دقیقه دیگر به فرودگاه بروم چون همین حالا عازم آمریکا هستم. ضمن خداحافظی می گوید اگر یک تماس مستقیمی با بچه ها در داخل ایران ایجاد شود خیلی خوب خواهد بود و آدرس ایمیلش را می دهد:

cjohnson@iglhrc.org

شهر حدوداً سیصد هزار نفری ژنو پایتخت سوئیس نیست اما از آنجا که شعبه سازمان ملل در آن قرار دارد و از آن گذشته حدود ۲۰۰ سازمان بین المللی دیگر هم مقر خود را در این شهر دایر کرده اند، همین به معروفیت ژنو کمک کرده است. شهر تمیز است و اتوبوسها و قطارهای زیادی مسافران را به نقاط مختلف شهر منتقل می کنند. مردم شهر به دیدن چهره های غریب و انواع رنگ پوست و قیافه عادت کرده اند. خوش برخورد هستند، اغلب به زبان فرانسه، آلمانی و انگلیسی صحبت می کنند و در یافتن آدرس یا... به توریستها کمک زیادی می کنند. به سمت دریاچه ژنو که شهر را به دو قسمت تقسیم کرده راه می افتم. در مسیر راه عکس بزرگی از خانه های خراب شده و مردمانی با حالت بیچاره گی در صفحه اول روزنامه هرالد تریبون نظرم را جلب می کند. آن را از کیوسک روزنامه فروشی می خرم که صاحبش ایرانی است (می شنوم که با دوستش فارسی حرف می زند). با خواندن مطلب از جریان زلزله اخیر در ایران خبردار می شوم. چه میتوان کرد؟ دست ما کوتاه و خرما بر نخیل.

با قایق یا کشتی میتوان گشتی روی دریاچه زد (اتوبوسهایی که توریستها را در شهر می گردانند هنوز در تعطیلات زمستانی هستند). در کنار ساحل گشتی می زنم. دو پسر جوان خوش تیپ و حدوداً ۲۵ ساله دست در دست هم راه می روند و روی یقه کاپشن هر کدام یک پرچم کوچک رنگین کمان دیده می شود. بعد از ظهر سری به چند بار و قهوه خانه و رستوران مختلف همجنسگرایان سر می زنم تا ببینم وضع از چه قرار است. هر چند که همجنسگرایان سوئسی در جامعه و کشور خود عزت و قربت زیادی دارند اما باید اعتراف کنم که بارها و کلوبها و رستورانهای همجنسگرایان ژنو در مقایسه با سان فرانسیکو، لندن، کپنهاگ برلین و کلن، از رونق کمتری برخوردارند. این فکر خودم را با یک همجنسگرای سوئسی که در بار با او آشنا می شوم در میان می گذارم و جواب می دهد که با توجه به آزادی همجنسگرایان اولا بسیاری از همجنسگرایان به بارهای عمومی می روند چون مشکلی ندارند و بسیاری از غیر همجنسگرایان هم به بارهای گی ها سر می زنند و به این دلیل به حالت عجین شدن و پذیرش کامل در جامعه رسیده ایم و به دلیلش شاید همین باشد. و دلیل دیگر اینکه کلوبها و بارهای همجنسگرایان در شهر ژنو به نسبت دیگر شهرهای سوئیس خیلی کمتر هستند.



نمایی از شهر ژنو



کنار دریاچه ژنو



دریاچه ژنو که شهر را به دو قسمت می کند

روز دوشنبه آخرین روز کنفرانس است. تعداد شرکت کنندگان امروز کمتر از روزهای قبل هستند و معلوم می شود که خیلی ها برای برگشتن سر کار و زندگی خود همان دیروز (یکشنبه) به کشور خود باز گشته اند)

در این روز ابتدا از رئیس قبلی ایلگا بخاطر زحمات شش ساله اش تشکر می شود. این شخص کورساد قهرمانلو اهل ترکیه است. همه بپا می خیزند و با دستزدنهای ممتد از او تشکر می کنند. بغیر از یک دسته گل، پرچم بزرگی از آرم کنفرانس ایلگا را هم بعنوان یادگاری به او می دهند. روز گذشته بدور از چشم ایشان این پرچم را به همه افراد می دادند که یک جمله یادگاری روی آن بنویسند. من هم به فارسی این را نوشتم: " با بهترین آرزوها"

بعد از تشکر از آقای قهرمانلو، نتیجه انتخابات را اعلام می کنند و معلوم می شود که یک گی آلمانی و یک لزبین اهل سریلانکا بعنوان رؤسای جدید ایلگا انتخاب شده اند.



رکسانا (اهل سریلانکا) لزبین رئیس ایگا



فیلیپ (آلمانی) رئیس گی ایلگا

همچنین دو مورد پیشنهاد تغییر نام ایگا و اضافه کردن ترانس سکشوال و ترانس جندر هم بحثهایی صورت می گیرد که نتیجه چندانی عاید نمی شود و قرار می گذارند که این بحثها را در آینده ادامه دهند. در همین حال اعلام می شود که در اعتراض به زندانی کردن چند همجنسگرا در نیجریه رؤسای جدید ایلگا می خواهند به اتفاق دو نماینده همجنسگرایان نیجریه ای شرکت کننده در کنفرانس به نمایندگی کشور نیجریه رفته و به اقدام دولت آنها اعتراض کنند. گفته می شود که هر کسی مایل است هم میتواند به آنها ملحق شود. تصمیم می گیرم من هم بروم. حدود سی نفری هستیم که به سمت سفارت نیجریه که تا محل کنفرانس فاصله چندانی ندارد راه می افسیم. نیجریه کشوری است که حدود نیمی از مردم آن مسلمان و نیمی دیگر مسیحی هستند اما در دولت فعلی مسیحیان دست بالا را دارند. همجنسگرایی در آنجا غیر قانونی نیست اما دولت جدید لویحی را تنظیم کرده که اگر اجرا شوند هر گونه تشکل یا صحبتی در مورد همجنسگرایی را ممنوع می کنند. در مسیر راه به فیلیپ رئیس جدید ایلگا نزدیک می شوم و به او می گویم که دارم گزارشی برای یک مجله همجنسگرایان ایران تهیه می کنم و می پرسم: " بعنوان رئیس جدید ایلگا در مورد وضعیت همجنسگرایان ایران چه نظری دارید و آیا پیامی به بچه های آنجا دارید؟" می گوید: " در مورد ایران باید کمی با احتیاط برخورد کنم به این دلیل که در ایران تغییر جنسیت آزاد است اما همجنسگرایان آزادی ندارند و من ترجیح می دهم که به همراه رکسانا رئیس دیگر ایلگا صحبت کرده و بطور مشترک یک متن رسمی در مورد همجنسگرایان ایران منتشر کنیم. و به این خاطر از اظهار نظر فردی معذورم. اما مسلماً مهر کسی از مبارزات همجنسگرایان در هر کشور دفاع می کند و ما خواهان آزادی و برابری برای همه انسانها هستیم از جمله برای همجنسگرایان در ایران." متن اعتراضی به دولت نیجریه به مسئول سفارت تحویل داده می شود و به کنفرانس بر می گردیم. شهردارژنو و چند نفر دیگر سخنرانیهای کوتاهی می کنند. بعد از آن نوبت انتخاب شهری است که دو سال بعد (سال ۲۰۰۸) کنفرانس بعدی ایلگا باید در آن برگزار شود. شهر کوبک از کانادا و شهر مسکو از روسیه خود را کاندید کرده اند و با نشان دادن اسلاید و توضیحاتی سعی کردند نظر رای دهندگان را

جلب کنند. در آخر شهر کوبک برنده می شود اما کنفرانس تصمیم می گیرد که چهار سال بعد (سال ۲۰۱۰) کنفرانس ایلگا در مسکو برگزار می شود.



نماینده شهر کوبک در حال نشان دادن اسلاید در معرفی شهر خود و لوگویی که برای اینکار انتخاب کرده اند. لازم به ذکر است که در سال ۲۰۰۸ شهر کوبک چهارصدمین سال تاریخ خود را جشن می گیرد و همزمان سی امین سالگرد تشکیل ایلگا نیز خواهد بود. در اینجا دفتر توریسم کوبک نیز یک سری آگهی های تبلیغاتی معرفی کرد و از همه حاضران برای شرکت در کنفرانس بعدی ایلگا در کوبک دعوت بعمل آورد و در آخر تصمیم گرفته شد که ایلگا در آینده نزدیکی، بیانیه ای رسمی در مورد وضعیت حقوق و اجتماعی همجنسگرایان در کشورهای مسلمان منتشر کند.



عکس گروهی شرکت کنندگان در کنفرانس



این هم یک عکس دسته جمعی

در حاشیه کنفرانس:

کل هزینه مسافرت، اتاق یک نفره در هتل دو ستاره، شرکت در کنفرانس و هتل و غذا هفتصد و پنجاه یورو تمام شد.

عدم حضور همجنسگرایان از ایران و دیگر کشورهای خاورمیانه کاملاً برجسته و جدآ مایه تاسف بود. امکان وصل شدن به اینترنت در تمام سالن وجود داشت و بسیاری از وبلاگ نویسان و خبرنگاران مجلات همجنسگرایان بطور زنده عکس و گزارش تهیه کرده و همانجا در سایتهای خود چاپ می کردند. مشکلات ناشی از مسائل دینی و خانوادگی و عدم اجازه به نوشتن و گفتن در باره حقوق همجنسگرایان در بسیاری از کشورهای آسیا و آمریکای لاتین مثل وضعیت همجنسگرایان داخل ایران است اما آنها با استفاده از انواع روشها سعی در طرح مسائل خود می کنند و کافی است اراده قوی و جدی برای اینکار وجود داشته باشد. در شرایط سرکوب همجنسگرایان، اگر همجنسگرایان آگاه و جدی و با درایت پیش قدم نشوند، افراد "پارتی بویز" کار زیادی نخواهند کرد بلکه در چنین شرایطی باید در طرح جدی و منطقی مسائل همجنسگرایان و پیوند آن با جنبش عمومی در کشور اهمیت بیشتری داده شود. رسیدن به حقوق و آزادی همجنسگرایان همچون رسیدن به دموکراسی و آزادی هزینه دارد. تا زمانی که ملتی حاضر به پرداخت هزینه آزادی خود نشود به دموکراسی نخواهد رسید به همین نسبت هم تا زمانی که همجنسگرایان حاضر به پرداخت هزینه در راه آزادی خود نباشند، همچنان از حقوق خود محروم خواهند بود.

از گفتن و نوشتن نباید خسته شد. طول می کشد تا جامعه و حکومت به حقوق همجنسگرایان اعتراف کنند اما نباید دلسرد شد. جنبش همجنسگرایان تنها با انتشار چند مجله و انجام کارها صرفاً از پشت کامپوتر و اینترنت شکل نمی گیرد و در کنار آن باید افراد از پشت کامپوترهای خود بیرون بیایند و با تشکیل گروهها و دسته های مختلف حضور خود را در جامعه هم نشان دهند. یعنی فعالیتهای اجتماعی در کنار نشریات باید به پیش برود، همچنین تشکیل گروههای کوچک و حمایتی از همدیگر. تنها چند نفر محدود میتوانند کار محدودی را به پیش ببرند و برای رسیدن به حقوق خود افراد زیادی باید از امکانات و تواناییهای خود استفاده کنند تا سطح فعالیتها گسترده شود. نه اینکه به وجود چند نفر بسنده شود.

همجنسگرایان مسلمان در کشورهای دیگر هم مشکلات ناشی از برخورد اسلام با همجنسگرایی را دارند اما آنها خود به بازخوانی متون دینی روی آورده اند و با تشکیل گروههای حمایتی برای خود و تعامل بیشتر با نواندیشان دینی غیر همجنسگرا توانسته اند موقعیت خود را تحکیم کنند. ارتباط جهانی و استفاده از تجارب آنها در کسب اعتماد به نفس و یادگیری افراد کمک زیادی می کند. تا زمانی که در داخل یک کشور همجنسگرایان متشکل نشود و کاری برای خود نکنند، وجود یک تشکیلات در خارج کشور بسختی بعنوان نماینده آنها برسمیت شناخته می شود.

موضوعی که در این کنفرانس متوجه آن شدم وجود تعداد زیادی سازمانها و تشکیلات همجنسگرایان هستند که هم در سطح ملی و هم در سطح بین المللی کار می کنند و حاضرند به مبارزه همجنسگرایان در کشورهایی که آزادی وجود ندارد فعالانه یاری رسانند اما برای اینکار دو مسئله مهم باید حل شود؛ مسئله اول اینکه گروهی یا تشکیلاتی در داخل خود آن کشور (مثلاً ایران) وجود داشته باشد که فعالیت کند و مسئله دوم اطلاع یافتن از وجود این گروههای خارجی و چگونگی تماس با آنها است.

به غیر از اینها فکری که از کل کنفرانس به ذهن من رسید این است که اگر تعدادی از همجنسگرایان تهران گروهی را بعنوان گروه اطلاع رسانی در باره ایدز تشکیل دهند و همجنسگرایان شهرهای مختلف

هر کدام شعبه ای از این گروه در شهر خود درست کنند، بدون آنکه اسم گروه خود را گروه همجنسگرایان بگذارند، آنوقت هم دولت نمیتواند با آنها مخالفت کند و هم اینکه این گروه میتواند در برنامه کار خود گروههای زیادی را مورد پوشش قرار دهد: مردانی که با مردان سکس دارند، زنان خیابانی، دانش آموزان و... حتی میتوان شعبه ای برای مشاوره با مبتلایان به ایدز و شعبه ای برای جمع آوری کمک مالی به قربانیان ایدز هم راه انداخت. تشکیل چنین گروهی میتواند هم از سازمانهای بین المللی همجنسگرایان و هم از سازمان ملل کمک مالی دریافت کند و هم اینکه در داخل کشور با وزارت بهداشت همکاری داشته باشد

. آیا همجنسگرایان داخل کشور از همین حالا می توانند برای شرکت در کنفرانس بعدی ایلگا در کوبک کانادا خود را آماده کنند؟ از جمله تهیه پاسپورت و ویزا و هزینه مالی. . به نظر من در مورد هزینه مالی به دو شکل میتوان عمل کرد: یکی اینکه با ایلگا تماس گرفته شود و از آنها برای دریافت کمک هزینه مالی مسافرت درخواست شود. کسانی که مشکل دریافت ویزای کانادا را دارند میتوانند مثلاً به ترکیه یا دبی رفته و از آنجا راحت با ایلگا یا سازمانهای همجنسگرای کانادا تماس گرفته تا مقدمات سفر چند روزه آنان به کانادا تسهیل شود. راه حل دیگر اینکه همجنسگرایان ایران در خارج از همین حالا یک شماره حساب باز کرده و به جمع آوری کمک برای تسهیل مسافرت بچه های داخل را فراهم کنند و همینطور امکانات تماس با کمیته مسئول برگزاری کنفرانس ایلگا در کانادا را فراهم نمایند. شرکت در کنفرانس برای خود من بسیار جالب و آموزنده بود و شرکت حداقل یکبار در این گونه کنفرانسها را به همه کسانی که امکانش را دارند، پیشنهاد می کنم. امیدوارم این گزارش برای همه خوانندگان ماها جالب باشد و آروز می کنم که در کنفرانس های بعدی ایلگا جای همجنسگرایان ایرانی خالی نباشد.